

به نام خداوند

جان و خرد

تجرباتی شرکت‌های حقوق کاربردی

دکتر جواد معتمدی

دانشگاه آزاد
تهران

فهرست اجمالی

مقدمه.....	۵
فصل اول:	
اصول حاکم بر شرکت های تجاری.....	۹
فصل دوم:	
تأسیس شرکت تجاری.....	۵۳
فصل سوم:	
نظام تصمیم گیری در شرکت تجاری.....	۱۱۵
فصل چهارم:	
اداره شرکت ها.....	۱۹۳
فصل پنجم:	
بازرسی شرکت و حساب های شرکت.....	۲۵۷
فصل ششم:	
قواعد و الزامات واگذاری و خرید سهام و سهم الشرکه.....	۲۸۹
فصل هفتم:	
تغییرات در سرمایه شرکت؛ افزایش سرمایه و کاهش سرمایه.....	۳۲۹
فصل هشتم:	
انحلال و تصفیه شرکت ها.....	۳۶۵
فصل نهم:	
تبدیل و ادغام شرکت ها.....	۳۸۷



مقدمه

رب لا تدرنی فردا^۱

حدود ده سال پیش در حال نگارش رساله دکتری خود با موضوع «روش تفسیر در حقوق تجارت» بودم. هدف آن پژوهش، تفسیری کارآمد از قوانین و مقررات تجاری بود که در عین انسجام، تفسیری نظام‌مند ارائه دهد. در آن زمان بیش از تجربه عملی فعالیت در حوزه حقوق شرکت‌های تجاری، نگرش فلسفی و منطقی به موضوعات حقوقی و به طور خاص حقوق تجارت داشتم. اگرچه مدتی به عنوان کارشناس حقوقی در شرکت سپرده‌گذاری مرکزی (زیر مجموعه سازمان بورس) فعالیت کرده بودم و پس از آن در گروه حقوق تجارت پژوهشگاه قوه قضاییه، به مطالعه آرای قضایی در این حوزه می‌پرداختم، ولی از شیرین و تلخ درگیری‌های وکالتی و عملیات شرکتی چندان نچشیده بودم. به همین خاطر اگرچه به تلاش و ذوق بسیار، آن رساله با راهنمایی استاد نیک اخلاق و دوست داشتنی آقای دکتر حسین سیمایی صراف دفاع و بعدتر با عنوان «روش تفسیر در حقوق تجارت» به زیور طبع آراسته و توسط شرکت سهامی انتشار، منتشر گردید ولی به عنوان ماموریتی در راه مانده در ذهنم باز بوده و هست. همواره می‌اندیشیدم که آن نگرش تفسیری روی زمین چطور کار می‌کند؟

فراغت از تحصیل در دوره دکتری و درگیری بیشتر در آموزش حقوق تجارت (در دوره‌های دانشگاهی و خارج از دانشگاه) که به نگارش کتاب «درسنامه حقوق تجارت» انجامید، فرصت و فرآیندی مغتنم برای دقت کردن بیشتر در جزئیات مقررات قانونی بود.

اما بیش از مطالعه و تدریس، آنچه عمیقاً باعث تحول ذهنی من در حوزه حقوق شرکت‌های تجاری شد، اشتغال به مدیریت حقوقی، وکالت دادگستری و سپس مشاوره به چندین شرکت تجاری صنعتی

و استارت‌آپی و در کنار آن دوره‌های آموزشی موسسه دادبانان بود. در این مشاغل، درگیری عملی با مسائل حقوقی و به طور خاص پرونده‌های حقوق شرکت‌ها داشتم و به چشم می‌دیدم که چگونه اشتباه کوچکی به آسیب‌های بزرگ به کسب و کار و سهامداران منجر می‌شود و از سویی با توجه به دوره‌های آموزشی دادبانان تلاش می‌کردم این تجربیات را برای ارائه به دانش‌پذیران گرامی مستندسازی کنم.

در بعدی دیگر همواره در امر مشاوره حقوقی به شرکت‌های تجاری و سهامداران و مدیران، تلاش در ابتکار عمل و ارائه راهکارهای نوآورانه داشتم. مثلاً باری با این خواسته از سوی دوستی مواجه شدم که شرکتی می‌خواست که تمام سهام آن متعلق به خودش باشد. با توجه به این که در حقوق ایران، شرکت تک شریک شناسایی نشده است، چندین مدل برای رسیدن به خواسته مورد نظر طراحی کردم و پس از آن با تفصیل بیشتر، اقسام ساختار سهامداری را در دوره حقوق شرکت‌های دادبانان ارائه کردم که در این اثر، به تفصیل بیشتر پرداخته شده است.

از سویی وکالت در پرونده‌های مرتبط با حقوق شرکت‌ها زوایای جدید و جذاب دیگری از حقوق شرکت‌ها را برایم روشن می‌ساخت و می‌سازد که پیش از آن در دانشگاه و پشت میز کارشناسی و مدیریت حقوقی در دسترس نبود. مثلاً این که خواسته دعوای بطلان مصوبات را دقیقاً باید چگونه تعیین نمود یا مسائل کیفری حقوق شرکت‌ها که در عمل ابزار اصلی تضمین حقوق سهامداران اقلیت است، چندان در دوره‌های آموزشی دیده نمی‌شود ولی در عمل کاربرد چشمگیری دارد. یا به عنوان نمونه، پرونده بسیار مفصلی که بالغ بر ۹۰ کلاسه پرونده قضایی پیرامون آن شکل گرفت ریشه در نگارش و انعقاد غیر اصولی قرارداد خرید سهام بود. به همین جهت حساسیت زیادی نسبت به نحوه خرید سهام به خرج دادم و موجب شد در دوره آموزشی و در این کتاب به تفصیل مطالبی راجع به نحوه واگذاری یا خرید سهام که جنس آن علمی یا فلسفی نیست ولی برآمده از تجربه شخصی است بپردازم؛ نکاتی مثل آنکه هنگام خرید سهام باید به خطرهایی (ریسک‌ها) همچون ریسک مالیاتی، دیون و ادعاهای حقوقی کشف نشده، ساختار سهامداری شرکت و... توجه کرد. شوربختانه این مسائل در دوره‌های آموزشی دانشگاهی به نحو شایسته مورد آموزش قرار نمی‌گیرد ولی در عمل بسیار مورد نیاز است.

اینک به دنبال اثر یا آثاری بودم که حقوق شرکت‌های تجاری را از منظر عملیاتی و کاربردی نگریسته باشد ولی با وجود آثار ارزشمند موجود در حوزه حقوق شرکت‌ها، اثر مطلوب خود را نمی‌یافتم. از سویی خودم نیز جرأت دست به قلم گرفتن نداشتم چرا که می‌دانستم و می‌دانم که من چراغ کوچکی در دست

دارم و در پیمایش جاده مه آلود و پر پیچ و خم حقوق شرکت‌ها، هر آن جلوه جدیدی می‌بینم. در حالی که نوشتن «کتاب» در درون خود ادعایی از بلوغ در دانش و بصیرت به همراه دارد. به همین خاطر تصمیمی بر این امر نداشتم ولی تشویق و راهنمایی دوست عزیزم آقای دکتر فرهاد بیات از یک سو و این واقعیت که این اثر آغاز یک راه جدید در اندیشیدن است، جسارت نوشتن را به دست آوردم.

در این اثر تلاش کرده‌ام ابتدا اصول و منطق خاص حقوق شرکت‌ها را به اختصار بیان کنم و سپس از منظر کاربردی، الزامات و قواعد مربوط به تاسیس شرکت تجاری، برگزاری مجامع عمومی و نظام تصمیم‌گیری در شرکت‌های تجاری، مدیریت، بازرسی، قواعد حقوقی امور مالی شرکت، تغییرات در سرمایه شرکت و در نهایت انحلال شرکت بیان شده است.

در پایان امیدوارم خوانندگان عزیز با نظرات ارزشمند خود به رفع نواقص موجود و تکمیل اثر در آینده به نگارنده مدد برسانند. همچنین از دکتر فرهاد بیات عزیز بابت همراهی پرمهر و لطفش و جناب آقای هادی خسروسرشکی بابت کمک‌های بی دریغش و سرکار خانم فاطمه یاوری نیا بابت همراهی دلسوزانه در صفحه‌آرایی کتاب صمیمانه سپاسگزارم.

۱

فصل اول

اصول حاکم بر شرکت‌های تجاری

برای ورود به مباحث حقوق شرکت‌های تجاری از جنبه کاربردی، باید نکاتی را به عنوان پیش درآمد تقدیم کنیم؛

اول آن که شایسته است بدانیم منابع قانونی و مقررات حاکم بر شرکت‌ها چیست و برای تسلط کاربردی بر حقوق شرکت‌ها چه قوانین و مقرراتی کاربرد بیشتری دارد. پس ابتدا قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌ها را به صورت مختصر معرفی می‌کنیم.

دیگر آن که باید با منطق و ادبیات حقوق شرکت‌ها آشنایی داشته باشیم. درست است که علم حقوق به طور کلی دارای ادبیات و منطق خاص خود می‌باشد (که بخشی از آن در علم اصول فقه جلوه‌گر شده است)، با این حال هر شاخه از حقوق هم دارای ادبیات و اصول تفسیری و منطقی مخصوص به خود هم هست. متخصص حقوق شرکت‌ها برای بهره‌بردن از مقررات حاکم بر حقوق شرکت‌ها می‌بایست آشنایی مقدماتی با منطق حقوق شرکت‌ها نیز داشته باشد. بنابراین در مبحث اول این فصل به تبیین منطق خاص حقوق شرکت‌ها می‌پردازیم.^۱

از سویی باید توجه داشت که مطابق ماده ۲۰ قانون تجارت ۷ نوع شرکت تجاری در حقوق ایران وجود دارد که در بخش دوم معرفی و مقایسه خواهد شد؛ ولی پرکاربردترین شرکت‌های تجاری در ایران (همچون کشورهای دیگر)، شرکت سهامی خاص، شرکت با مسئولیت محدود و شرکت تعاونی است. در این اثر با توجه به هدف نویسنده که آشنایی با ابعاد کاربردی حقوق شرکت‌های تجاری است، تمرکز مباحث بر شرکت سهامی و شرکت با مسئولیت محدود و شرکت تعاونی قرار گرفته است.

۱- یکی از مشکلاتی که بعضاً وکلا و حقوقدانان با آن مواجه می‌شوند آن است که با ادبیات و اصول حقوقی حاکم بر حقوق خصوصی و حقوق مدنی به شعبه‌های دیگر حقوق مانند حقوق اداری یا حقوق اساسی نگریسته می‌شود. به عنوان نمونه در تحلیل قرارداد نسبت به اموال دولتی به کارگیری اصل صحت به سادگی ممکن نیست و باید قاعده لزوم حفظ اموال دولتی را در نظر داشت.

مبحث اول: قوانین و مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری

گفتار اول: قوانین و مقررات اصلی

۱- قانون تجارت: اصلی‌ترین منبع قانونی حقوق شرکت‌ها، قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ است که از ماده ۲۰ تا ماده ۲۲۲ ق.ت. به بیان احکام شرکت‌های تجاری پرداخته است.

در ماده ۲۰ ق.ت. هفت شرکت تجاری معرفی می‌شود که عبارت است از «۱) شرکت سهامی» ۲) شرکت با مسئولیت محدود ۳) شرکت تضامنی ۴) شرکت مختلط غیر سهامی ۵) شرکت مختلط سهامی ۶) شرکت نسبی و ۷) شرکت تعاونی تولید و مصرف». مواد بعد ق.ت. نیز به بیان احکام هریک از این شرکت‌ها می‌پردازد.

۲- لایحه قانونی اصلاحی قسمتی از قانون تجارت: از شرکت‌هایی که در ماده ۲۰ ق.ت. بیان شده، شرکت‌های سهامی کاربرد و اهمیت بیشتری در دنیای تجارت دارد. مثلاً شرکت سهامی عام در بورس پذیرش می‌شود و شرکت‌های سهامی خاص نیز یکی از پرکاربردترین قالب‌های مورد استفاده در کسب و کار است. به همین خاطر قانونگذار در تاریخ ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ لایحه‌ای را با ۳۰۰ ماده در کمیسیون مشترک مجلس شورا و مجلس سنا به تصویب رساند به نام «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت» و جایگزین مواد ۲۱ تا ۹۳ ق.ت. گردید.^۱

۳- قانون شرکت‌های تعاونی و قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران: در مورد شرکت‌های تعاونی هم، مواد ۱۹۰ تا ۱۹۴ ق.ت. مقررات مختصری را بیان داشته است که جوابگوی نیازهای این شرکت‌ها نبوده است. به همین جهت قانون شرکت‌های تعاونی در ۱۴۹ ماده در تاریخ ۱۳۵۰/۰۳/۱۶ (با اصلاحات بعدی) تصویب شد که به طور مفصل به بیان اقسام تعاونی (مانند تعاونی کشاورزی و روستایی، صیادان،

۱- چند نکته راجع به ل.ا.ق.ت.:

(۱) لایحه فوق به موجب ماده واحده قانونی اجازه اجرای موقت لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت پس از تصویب کمیسیون خاص مشترک مجلسین مصوب ۱۳۴۳/۹/۱۹ به صورت موقت و «تا تصویب نهایی آن در مجلسین لازم الاجرا» است. بنابراین اعتبار این لایحه موقتی است ولی با توجه به آن که مدت اعتبار آن تعیین نشده، همچنان لازم الاجرا است. (۲) به موجب ماده ۲۹۹ ل.ا.ق.ت.، مواد ۲۱ تا ۹۳ در خصوص شرکت‌های سهامی نسخ صریح شده است ولی آن دسته از مقررات آن مواد که ناظر به سایر انواع شرکت‌های تجاری می‌باشد، به قوت خود باقی است. مثلاً ماده ۱۲۱ قانون تجارت در مورد مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی مقرر داشته است: «حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده».

ماده ۵۱ ق.ت. نسبت به شرکت سهامی منسوخ است ولی به طور کلی منسوخ نیست. بنابراین در مورد مسئولیت مدیران شرکت تضامنی همچنان قابل استناد می‌باشد.

مصرف کنندگان و ...)، قواعد تشکیل، ارکان شرکت، نهادهای ناظر دولتی، اعتبارات، ادغام، انحلال و مجازات‌های مربوط به شرکت تعاونی پرداخت.

پس از انقلاب، با توجه به تأکید قانون اساسی بر نقش تعاونی‌ها در اقتصاد، در سال ۱۳۷۰ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران شامل ۷۷ ماده، تصویب شد و بر قوانین قبلی حاکم گردید. ماده ۷۷ ق.ب.ت. مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مغایر این قانون ملغی است». به این ترتیب، قانون بخش تعاون حاکم بر مقررات قبلی است ولی مقررات قبلی تا جایی که مغایرتی با این قانون نداشته باشد، همچنان جاری است.

گفتار دوم: قوانین و مقررات پیرامونی

قوانینی که پیش از این معرفی شد، جنبه اصلی و بنیادین در حقوق شرکت‌ها دارد و اصطلاحاً قوانین مادر در این حوزه هستند. اما برای مسلط بودن بر جنبه‌های کاربردی شرکت‌ها، باید از مفاد قوانین دیگری هم آگاهی داشت. مثلاً شرایط نقل و انتقال سهام در مواد ۳۹ و ۴۰ ل.ا.ق.ت. و شرایط نقل و انتقال سهم الشرکه شرکت با مسئولیت محدود در مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ ق.ت. بیان شده است؛ ولی هنگام انتقال سهام یا سهم الشرکه، اکتفا به همین احکام قانونی کافی نیست و باید مقررات مالیاتی نقل و انتقال که در قانون مالیات‌های مستقیم بیان شده نیز مورد توجه قرار بگیرد. چه بسا در مواردی، با توجه به هزینه مالیاتی نقل و انتقال سهام یا سهم الشرکه، بهتر باشد از شیوه دیگری جهت جایگزینی شریک جدید به جای شریک سابق استفاده شود. مثلاً در مواردی بهتر است به جای ثبت نقل و انتقال سهم الشرکه، شریک سابق همراه با کاهش سرمایه از شرکت خارج شود و شریک جدید با افزایش سرمایه به شرکا اضافه گردد. مهم‌ترین متون قانونی و مقررات پیرامونی عبارت است از:

۱) قانون مالیات‌های مستقیم

قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵/۱۲/۲۸ با اصلاحات متعدد بعدی، قانون مادر در حوزه امور مالیاتی کشور است. این قانون و بخش‌نامه‌های مبتنی بر آن در نقاط متعددی با حقوق شرکت‌های تجاری درگیر است؛ مالیات بر تشکیل شرکت و افزایش، مالیات بر نقل و انتقال سهام و سهم الشرکه، مالیات بر ارث سهام و سود سهام، صورت‌های مالی مورد پذیرش سازمان امور مالیاتی و تکالیف مربوط به مجامع شرکت، مالیات بر عملکرد شرکت و مسئولیت مالیاتی مدیران شرکت، مهم‌ترین مواردی است که باید در جنبه کاربردی حقوق شرکت‌ها به آن پرداخت.

نکته: برخی معافیت‌های مالیاتی تأثیر اساسی بر مالیات شرکت دارد و توجه به این معافیت‌ها برای مدیران و مشاوران شرکت اهمیت چشم‌گیری دارد. مثلاً مطابق ماده ۱۳۸ مکرر ق.م.م.الحاقی ۱۳۹۴/۰۲/۰۱ «اشخاصی که آورده نقدی برای تأمین مالی پروژه. طرح و سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی را در قالب عقود مشارکتی فراهم نمایند، معادل حداقل سود مورد انتظار عقود مشارکتی مصوب شورای پول و اعتبار از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌شوند و برای پرداخت‌کننده سود، معادل سود پرداختی مذکور به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شود.^۱

تبصره ۱- استفاده‌کننده از معافیت موضوع این ماده تا دو سال نمی‌تواند آورده نقدی را از بنگاه تولیدی خارج کند. در صورت کاهش آورده نقدی، به میزان ارزش روز معافیت استفاده شده، مالیات سال خروج آورده نقدی، اضافه می‌شود.

تبصره ۲- تشخیص تحقق به کارگیری آورده نقدی برای تأمین مالی پروژه- طرح یا سرمایه در گردش با اداره امور مالیاتی حوزه مربوط است.»

از آنجا که درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها عبارت است از درآمد شرکت منهای هزینه‌ها و معافیت‌ها، در یک نگاه ساده چنانچه شرکتی تولیدی ۱۰۰ میلیارد تومان درآمد داشته باشد و ۸۰ میلیارد هزینه قابل قبول داشته باشد، درآمد مشمول مالیات ۲۰ میلیارد تومان و مالیات پرداختنی ۵ میلیارد تومان است. حال اگر یک یا چند شریک این شرکت، ۵۰ میلیارد تومان به عنوان جاری شرکا به شرکت پرداخت کرده باشند، با رعایت شرایط ماده ۱۳۸ مکرر مانند انعقاد عقود مشارکتی با شرکت، معادل سود مصوب شورای پول و اعتبار (در سال ۱۴۰۱ معادل ۲۱٫۶ درصد) به عنوان هزینه قابل قبول شرکت محسوب می‌شود یعنی ۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان. بدین ترتیب درآمد مشمول مالیات از ۲۰ میلیارد تومان و ۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تقلیل می‌یابد و مالیات پرداختنی ۲ میلیارد و ۴۵۰ میلیون تومان خواهد بود.

نکته ۱- مطابق بخشنامه شماره ۲۱۰/۱۴۰۰/۵۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۰، ماده ۱۳۸ مکرر شامل عدم تسویه طلب شرکاء از شرکت نیز می‌باشد و تسویه بستانکار جاری شرکاء یا عدم تسویه سود سهام پرداختنی به شرکاء که مورد تصویب مجامع عمومی مقرر قرار گرفته باشد نیز می‌تواند مصداق ماده فوق باشد.

۱- بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، نرخ سود تسهیلات عقود غیرمشارکتی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و همچنین نرخ سود مورد انتظار عقود مشارکتی قابل درج در قرارداد میان بانک یا مؤسسات اعتباری و مشتری، حداکثر معادل ۱۸ درصد تعیین می‌شود. همچنین نرخ سود تسهیلات بانک کشاورزی برای تسهیلات سرمایه‌گذاری معادل ۱۵ درصد و برای سایر تسهیلات معادل ۱۸ درصد تعیین شد. این مصوبه از تاریخ ۱۳۹۵.۰۴.۱۶ لازم‌الاجرا است. همچنین این نرخ بر اساس مصوبه شورای عالی سران، در سال ۱۴۰۱ به ۲۱٫۶ درصد افزایش یافت.

نکته ۲- این حکم ناظر به بنگاه تولیدی است و مبنای شناسایی تولیدی بودن، پروانه بهره‌برداری بنگاه است. به همین جهت برای بهره‌بردن از این مزیت باید علاوه بر اساسنامه و تغییرات شرکت، مجوزهای شرکت را نیز بررسی کرد.^۱

۲) قانون بازار اوراق بهادار و سایر قوانین و مقررات مرتبط با بورس

قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱ و قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵ و آیین‌نامه‌های اجرایی و دستورالعمل‌های پیرامون این قوانین، محیط حقوقی بازار سرمایه ایران را تشکیل می‌دهند. از آنجا که مطابق ماده ۹۹ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه کلیه شرکت‌های سهامی عام مکلف به ثبت نزد سازمان بورس هستند و غالباً تمایل به پذیرش در بورس یا فرابورس دارند، مقررات بازار سرمایه نیز باید مورد نظر فعالان حقوقی شرکت‌های سهامی عام باشد. علاوه بر قوانین فوق برخی دستورالعمل‌های سازمان بورس اوراق بهادار می‌تواند مورد استفاده در شرکت‌های دیگر نیز قرار گیرد. به عنوان مثال دستورالعمل حاکمیت شرکتی مصوب سازمان بورس اوراق بهادار شامل مقررات مفیدی است که سایر شرکت‌های بزرگ نیز می‌توانند ملتزم به اجرای آن شوند.

۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در تاریخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۵ در ماده ۹۲ به تصویب رسید. این قانون به مباحث متعددی از جمله واگذاری بنگاه‌های دولتی می‌پردازد ولی در چند حوزه با حقوق شرکت‌ها مستقیماً درگیر است؛ اول آن که در مواد ۷ و ۷ مکرر این قانون، مقررات نسبتاً مفصلی در خصوص مجوز کسب و کارها بیان شده است. آخرین اصلاحات این احکام مربوط به تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ است که با تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، ماده ۷ مکرر به قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ الحاق گردید و اصل ثبت محور بودن مجوزهای کسب و کار را مورد تصریح قرار داد. دوم آنکه در فصل سوم این قانون احکام متعددی در خصوص بخش تعاون اقتصاد کشور و شرکت‌های

۱- برای دیدن نمونه قرارداد مشارکت در تولید رک. (Qr-Code) را اسکن کنید <<



تعاونی مقرر نموده است. برخی از مهم‌ترین و پرکاربردترین احکام مرتبط با تعاونی‌ها، ایجاد نهاد «تعاونی سهامی عام» و وضع معافیت مالیاتی به میزان ۲۵ درصد مالیات بر درآمد شرکت‌های تعاونی (ماده ۱۱) و تخفیف ۲۰ درصد در حق بیمه سهم کارفرما برای اعضای شاغل در تعاونی (بند ج ماده ۹) است. سوم آن‌که در این قانون ادغام شرکت‌ها به رسمیت شناخته شده و ادغام‌های ممنوع نیز تعیین شده است. علاوه بر این قانون، آیین‌نامه‌های اجرایی و مصوبات شورای عالی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی نیز حاوی مقررات مفیدی در حوزه کسب و کار و شرکت‌های تجاری است. مثلاً ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۵ اصلاحی بند الف ماده ۳ ق.ا.س.ا. ۴۴۰ مقرر می‌دارد: «بانک‌ها موظفند قراردادهای مربوط به واگذاری حق بهره‌برداری از زمین و خدمات زیربنایی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی را هم ردیف اسناد رسمی پذیرفته و تسهیلات اعتباری و حقوقی مربوط به اسناد رسمی را در خصوص قراردادهای مذکور اعمال نمایند».

گفتار سوم: قوانین و مقررات ثبتی

تشکیل و تغییرات شرکت تا زمانی که به ثبت نرسیده در برابر اشخاص ثالث اعتبار ندارد. در عمل نیز اهمیت ثبت تصمیمات چنان بالا است که در نگاه غالب سهامداران و مدیران شرکت‌ها (ولو به اشتباه)، تصمیمی که به ثبت نرسیده را منشأ اثر نمی‌دانند.

- ۱-۳. قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۰۳/۱۱.^۱
- ۲-۳. نظام‌نامه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۰۳/۱۶.
- ۳-۳. آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۴۰ و اصلاحیه ۱۳۸۴/۰۲/۲۴.
- ۴-۳. آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷.
- ۵-۳. دستورالعمل چگونگی ثبت الکترونیکی شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۹۳/۰۹/۰۲.

در کنار قوانین و مقررات ثبتی توجه به رویه اداره ثبت شرکت‌ها در ثبت شرکت و ثبت تغییرات شرکت نیز حائز اهمیت فراوان است. در مواردی رویه غالب این اداره بر خلاف ظاهر قانون تجارت شکل گرفته و در عمل موجب ایجاد مشکلاتی برای شرکت‌هایی شود؛ مثلاً در مورد حد نصاب تصمیمات شرکت بامسئولیت محدود بر خلاف نص صریح قانون تجارت، در رویه اداره ثبت شرکت‌ها نصاب دارندگان اکثریت سهم‌الشرکه شرکت ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد.

۱- لایحه ثبت اشخاص حقوقی شامل ۱۹ ماده در مجلس شورای اسلامی مطرح است و در صورت تصویب موجب نسخ قانون راجع به ثبت شرکت‌ها خواهد بود.

مبحث دوم: اصول و منطق حاکم بر حقوق شرکت‌های تجاری

هر حوزه از دانش و مهارت، منطقی دارد که باعث می‌شود متخصص آن امر از غیر متخصصین متمایز شود. مثلاً همه مردم به متن قوانین و مقررات دسترسی دارند ولی روش تفسیر حقوقی است که وکلا و کارشناسان حقوقی را از غیر متخصصین تفکیک می‌کند و گروه اول توان استفاده صحیح از هر مقرره را در جای خود و تلفیق آن با سایر اصول حقوقی دارند. در حقوق شرکت‌ها نیز اصول بنیادینی حاکم است که باید در کنار مقررات و قوانین بر آن اشراق داشت. مهم‌ترین این اصول عبارت است از اصل حاکمیت اکثریت سهامداران و شرکا، اصل حمایت از اقلیت سهامداران و شرکا، اصل الزامی بودن رعایت تشریفات قانونی، اصل اعتماد به ظاهر؛ اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت از سهامداران و شرکا، وصف تجاری بودن شرکت و اصل مسئولیت حرفه‌ای مدیران.

باید توجه داشت که این اصول مکمل یکدیگر هستند و فهم صحیح آنها مستلزم نگرش به مجموعه این اصول به صورت به هم پیوسته است. بدین صورت که بنیادی‌ترین اصل حاکم بر شرکت‌های تجاری که موجب رشد تاریخی آن شده است، امکان حاکمیت اکثریت سهامداران بر شرکت است. در شرکت مدنی تصمیمات شرکا نیاز به اجماع نظر دارد. همین امر امکان رشد چشم‌گیر و جذب سرمایه در شرکت مدنی را محدود می‌کند. اما در شرکت تجاری سهامداران اکثریت اصولاً بدون نیاز به تأمین نظر سهامداران اقلیت امکان کنترل شرکت را دارند و به همین جهت ریسک سرمایه‌گذاری کلان در شرکت تجاری کمتر از شرکت مدنی است.

در برابر این اصل، باید از سهامدار اقلیت نیز حمایت شود تا شرکت تجاری امنیت و جذابیت لازم برای سرمایه‌گذاری توسط سرمایه‌گذاران خرد را داشته باشد. به همین جهت قانون تجارت ساز و کارهای متنوعی برای حمایت از اقلیت سهامداران پیش‌بینی کرده است و تحولات حقوق شرکت‌ها به سمت توسعه این حمایت‌ها پیش می‌رود. اصل مسئولیت حرفه‌ای مدیران نیز در همین راستا توسعه یافته است. از بعد دیگر برای آنکه اصل حاکمیت اکثریت در عین حمایت از اقلیت قابلیت اجرا داشته باشد، قانونگذار به رعایت تشریفات به عنوان اصلی محکم در حقوق شرکت‌ها نگریده است؛ اما گاهی ابطال مصوبات و عملیات شرکت به دلیل عدم رعایت تشریفات قانونی موجب زوال حقوق اشخاص ثالث می‌شود. به همین جهت اصل اعتماد به ظاهر در جهت حمایت از اشخاص ثالث بنیان گذاشته شده است تا ساز و کارهای درونی شرکت و تشریفات قانونی مستمسکی برای از بردن حقوق اشخاص ثالث نشود.

بنابراین همچنان که با دقت دریافت می‌شود اصول حقوق شرکت‌ها خود نظامی ساختاری دارند و همچون استخوان‌های بدن، به هم پیوسته و ساختارمند هستند. توجه به این موضوع به حقوقدانان کمک می‌کند تفسیر منسجم و کارآمدتری در دشواری‌ها (مسائل) حقوق تجارت داشته باشند.^۱

گفتار اول: اصل حاکمیت اکثریت در شرکت

یکی از تفاوت‌های اصلی شرکت تجاری و شرکت مدنی (یا شراکت) امکان حاکمیت اکثریت بر شرکت است. در شرکت مدنی اصولاً باید تصمیمات به اجماع صورت پذیرد. مثلاً چنانچه چند نفر در ملکی به نحو مشاع شریک باشند، اصولاً فروش آن مال مشاع بدون اذن همه شرکا ممکن نیست. ولی در شرکت تجاری اصولاً اتخاذ تصمیمات، ولو تصمیم به انحلال شرکت، نیاز به اجماع شرکا ندارد و دارندگان اکثریت سرمایه برای شرکت تصمیم می‌گیرند. این امر که به قاعده اکثریت مشهور است منجر به کارایی اقتصادی بیشتر در شرکت‌های تجاری می‌شود چرا که هدف شرکت به حداکثر رساندن سود خود است و قاعده اکثریت به اشخاص این اطمینان را می‌دهد که با در دست داشتن اکثریت سهم شرکت امکان کنترل شرکت و جابجا کردن مدیران ناکارآمد را دارند.^۲

در شرکت سهامی تصمیم‌گیری در کلیه تصمیمات مجامع بر اساس نظر اکثریت سرمایه‌ای است (در مجمع عمومی مؤسس و فوق العاده نصاب دو سوم آرای حاضر در مجمع عمومی و در مجمع عمومی عادی، نصاب بیش از نصف آرای حاضر در مجمع عمومی برای تصمیم‌گیری کفایت می‌کند) و صرفاً در یک مورد استثنایی ماده ۱۵۹ ل.ا.ق.ت. مقرر می‌دارد: «افزایش سرمایه از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آن که کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند». مبنای این استثناء هم روشن است؛ هیچ کس بر دیگری سلطه ندارد و نمی‌تواند بدون اراده او تعهدی بر ذمه‌اش قرار دهد.

۱- مبانی این رویکرد و طرح ریزی مفصل نظریه تفسیری اصول‌مند در حقوق تجارت در کتاب روش تفسیر در حقوق تجارت بیان گردید. ر.ک. جواد معتمدی، روش تفسیر در حقوق تجارت، ج ۳، سهامی انتشار، ۱۴۰۲.
 ۲- برای مطالعه کارایی قاعده اکثریت و تحلیل اقتصادی این اصل ر.ک. رضا خودکار و محمد صقری، کارایی قاعده اکثریت در شرکت‌های سهامی و ایجاد تعادل میان منافع سهامداران اکثریت و اقلیت، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هشتم، شماره ۲۸، ۱۳۹۸. صص ۱۱۹-۱۴۵. و برای مشاهده مبانی حقوقی و ریشه‌های تاریخی این قاعده ر.ک. عطاالله رحمانی، مطالعه تطبیقی مبانی قاعده اکثریت در شرکت‌های سهامی؛ حقوق انگلستان و ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، ۱۳۸۸.

در شرکت‌های با مسئولیت محدود هم تصمیمات اصولاً با اکثریت سرمایه اتخاذ می‌شود و تنها در مواردی همچون تغییر در اساسنامه و موافقت با انتقال سهم‌الشرکه به غیر و تصمیم‌گیری در نوبت دوم مجمع عمومی، موافقت اکثریت عددی شرکا نیز لازم است. همچنین مطابق ماده ۱۱۰ ق.ت. در خصوص تغییر تابعیت اتفاق آرای شرکا مورد نیاز است.

همچنین در شرکت تعاونی مطابق ماده ۳۵ ق.ش.ت. به طور کلی تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت اعضای حاضر در مجمع عمومی اتخاذ می‌شود. در این شرکت اگرچه قاعده اکثریت حکم فرما است اما به دلیل ویژگی خاص تعاونی‌ها، اصل بر حکمرانی اکثریت عددی اعضا است، نه اکثریت سرمایه.^۱

گفتار دوم: اصل حمایت از اقلیت سهامداران

در برابر قاعده اکثریت، اصل و قاعده حمایت از اقلیت سهامداران قرار دارد. این قاعده مکمل قاعده اکثریت و مبنای رشد شرکت‌های تجاری شده است؛ چرا که به اشخاص امکان سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها با اطمینان از حفظ سرمایه خود را می‌دهد. بسیاری از احکام قانون تجارت در حوزه شرکت‌های تجاری از جمله مقررات مربوط به تشکیل شرکت‌ها، حد نصاب مجامع، مقررات مرتبط با معاملات مدیران (مواد ۱۲۹ تا ۱۳۳ ل.ا.ق.ت.)، مقررات مرتبط با حساب‌های شرکت بر پایه این قاعده بنیادین، وضع شده است. اما به طور خاص بعضی احکام قانون تجارت مستقیماً به حقوق اقلیت سهامداران اشاره دارد. مهم‌ترین این موارد ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت. در خصوص نحوه انتخاب اعضای هیأت مدیره، ماده ۹۵ ل.ا.ق.ت. در خصوص دعوت مجمع عمومی توسط دارندگان اقلایک پنجم سهام شرکت، ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت. در خصوص دعوای مشتق و ماده ۱۶۸ ل.ا.ق.ت. در خصوص سلب حق تقدم از بعضی سهامداران هنگام افزایش سرمایه شرکت است.

اصل حمایت از حقوق اقلیت سهامداران یکی از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری و رشد شرکت‌های تجاری در طول تاریخ بشر بوده است ولی همچنان خلأهایی در حمایت از حقوق اقلیت سهامداران در قوانین ما وجود دارد که باید توسط خود سهامداران جبران شود. به عنوان مثال اگرچه ماده ۸۸ ل.ا.ق.ت. در خصوص نحوه انتخاب مدیران در راستای این اصل وضع شده است ولی اکثریت سهامداران به روش‌هایی می‌توانند آن را خنثی سازند و با اصلاح اساسنامه باید از مشکلات ناشی از این خلأ قانونی

۱- نظام تصمیم‌گیری در این شرکت شبیه به رای‌گیری در نظام‌های سیاسی دموکراتیک است و هر عضو فارغ از میزان سرمایه با عضو دیگر رای برابر دارد. در شرکت‌های تجاری اصولاً چنین شیوه‌ای کارآمد نیست.

جلوگیری کرد که در بحث مربوط به انتخاب مدیران به آن خواهیم پرداخت.

به طور کلی ظرافت قوانین مربوط به شرکت‌های تجاری در دنیا، ایجاد نقطه تعادل بین دو قاعده فوق (یعنی حاکمیت اکثریت و حمایت از اقلیت) است. با این همه تردیدی نیست که در همه مصادیق شرکت‌های تجاری، قانون تجارت توان ایجاد نقطه تعادل بین دو قاعده فوق را ندارد. شرکا با توجه به وضعیت خاص خودشان و مسائلی از قبیل میزان آورده هر کدام از شرکا، نوع فعالیت شرکت، تخصص هریک از شرکا و چشم‌انداز فعالیت شرکت، این نقطه تعادل را پیدا کنند. از این رو در نگارش قراردادهای بین سهامداران مانند قرارداد هم‌بنیانگذاران (Shareholder Agreement: SH-A) باید با در نظر گرفتن همه این ابعاد، به توافقی جامع و پایدار دست یافت.

بند اول: کاربرد اصل حمایت از اقلیت سهامداران در مقام تفسیر

اصل حمایت از اقلیت سهامداران مورد تصریح قانونگذار قرار نگرفته است ولی با توجه به احکام متعدد قانونی توسط دکترین حقوقی و رویه قضایی به عنوان یک اصل حقوقی پذیرفته شده است.^۱ این اصل حقوقی در تفسیر مقررات قانونی و در مقام دفاع در دعاوی کاربرد زیادی دارد. مثلاً در یک پرونده حقوقی خواسته خواهان ابطال صورتجلسه (مصوبه) مجمع عمومی فوق العاده بوده است؛ مصوبه‌ای که به موجب آن تصمیمات مجمع عمومی شرکت با اکثریت ۸۵ درصد آرا و گاه با اکثریت سه چهارم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود و تصمیمات هیأت مدیره با اتفاق آرا اتخاذ می‌گردد. در ادامه، متن مصوبه، قسمتی از دادخواست خواهان و دفاعیات خوانده و دادنامه صادر شده بیان گردیده است که نحوه کاربرد تفسیری اصل حمایت از اقلیت سهامداران را نشان می‌دهد.

۱- به اصولی از این دست که از مجموع احکام برداشت می‌شود، قواعد اصطیادی نیز گفته می‌شود. در خصوص اعتبار و کاربرد قواعد اصطیادی در حقوق تجارت ر.ک. جواد معتمدی، روش تفسیر در حقوق تجارت، سهامی انتشار، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱.

شرکت سهامی خاص به شماره ثبت و شناسه ملی

جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت فوق در تاریخ راس ساعت با حضور کلیه سهامداران در مرکز اصلی شرکت تشکیل گردید و به اتفاق آراء نسبت به موارد ذیل اتخاذ تصمیم شد.

(۱) جهت رعایت ماده ۱۰۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت هیأت رئیسه مرکب از افراد ذیل انتخاب گردیدند.

۱	به سمت رئیس جلسه
۲	به سمت ناظر جلسه
۳	به سمت ناظر جلسه
۴	به سمت منشی جلسه

(۲) ماده ۱۰ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید:

صاحبان سهام حق انتقال سهام خود را ندارند مگر با موافقت هیأت مدیره، نقل و انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده و انتقال گیرنده یا نمایندگان قانونی آنها باید در دفتر مرکزی شرکت حاضر شده نقل و انتقال را گواهی می نمایند. نقل و انتقال سهام با نام بدون رعایت تشریفات فوق از درجه اعتبار ساقط بوده و شرکت کسی را صاحب سهم خواهد شناخت که سهام با نام او در دفتر سهام شرکت به ثبت رسیده باشد و علی الاصول مواد ۳۹ و ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مجری خواهد بود. ضمناً سهامداران در هنگام فروش سهام ابتدا باید سهم خود را به سایر سهامداران عرضه و در صورت عدم تمایل به خرید از سوی سایر سهامداران با موافقت هیأت مدیره می توانند سهام خود را به غیر بفروشند.

(۳) ماده ۲۵ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید:

در مجمع عمومی عادی، حضور دارندگان حداقل ۸۵ درصد سهامی که حق رأی دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور حداقل ۷۵ درصد از صاحبان سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

(۴) ماده ۲۶ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید:

در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با سه چهارم سهامداران حتی در موارد انتخاب مدیران و بازرسان آراء حاضر در جلسه رسمیت خواهد یافت.

(۵) ماده ۲۸ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید:

در مجمع عمومی فوق العاده حداقل ۸۵ درصد سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد برای بار دوم دعوت و یا حضور دارندگان حداقل ۷۵ درصد سهامی که حق رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد.

(۶) ماده ۲۹ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید:

تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره با اکثریت سه چهارم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

(۷) ماده ۳۷ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید:

برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور تمامی اعضای هیأت مدیره لازم است، تصمیمات باید با تمامی آراء حاضرین اتخاذ گردد.

(۸) ماده ۳۸ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید:

تنها تصمیماتی که به امضاء تمامی مدیران حاضر شرح ماده ۳۷ فوق رسیده باشد دارای اعتبار می باشد.

(۹) به آقای اصل یا حق توکیل به غیر وکالت داده شد تا نسبت به ثبت صورت جلسه و امضاء ذیل دفاتر اداره ثبت شرکت ها و پرداخت هزینه های قانونی اقدام نماید ضمناً نامبرده صحت امضاء کلیه مندرجات و اصالت امضاء کلیه شرکا را تایید نمودند.

رئیس جلسه ناظر جلسه ناظر جلسه منشی جلسه